



صه‌بای خاقانی در سبوی نزاری

احمد خواجه ایم^۱

چکیده

این مقاله در پی آن است تا اثبات کند، در روزگار نزاری یعنی قرن هفتم و ربع اول قرن هشتم، آوازه‌ی شاعر چامه‌سرای ایرانی، خاقانی شروانی آن چنان پهنه‌ی ادب فارسی را در نوردیده بود که تمامی مرزهای ایران در آن روزگاران بلکه تا هر کجا که به پارسی سخن می‌رانند و همانند شعر سعدی تا دروازه‌های چین و بر زبان و بیان ملاحان چینی نیز ساری و جاری بوده و نسیمی بلکه نسیم‌هایی از آن بر روح و جان شاعر آزاده‌ی خراسانی، نزاری قهستانی هم وزیده است و با وجود بعد مسافت شروان و قهستان رشحات و نفحات این نسیم در شعر نزاری جلوه‌گر شده و در شعر نزاری همانندی‌های بسیاری با خاقانی یافته است. به دیگر سخن نزاری از خاقانی تأثیرات بسیار پذیرفته و بسیاری از غزل‌ها و قصاید خاقانی را هم از حیث ساخت و نمود بیرونی و نیز مضمونی و محتوایی، تتبع کرده و بسیاری از ترکیبات خاقانی ساز را در شعر خود به کار گرفته است زیرا خود نزاری نیز در ترکیب‌سازی توانمند و نو آور است که در این مقاله شواهد شعری و مستندات این موارد که دلالت بر تأثیر خاقانی بر نزاری است، آورده شده و مدعای تصفح نزاری در دیوان خاقانی و تأثیرپذیری نزاری از خاقانی را با شواهد و دلایل متقن و عینی، قطعی و مسلم ساخته است و نزاری را علاوه بر غزل‌سرایی که بدان پر آوازه است به عنوان شاعری قصیده‌سرا نیز مورد توجه قرار داده است.

کلیدواژه: خاقانی، نزاری، تأثیرپذیری، استقبال، قصیده‌غزل.

نزاری

حکیم سعدالدین بن شمس‌الدین محمد نزاری بیرجندی قهستانی از شاعران برجسته‌ی قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است که به تصریح دکتر صفا عنوان "حکیم" هم از دوره‌ی زندگانی وی برای او به کار می‌رفته است. (صفا، ۱۳۷۱ ج ۳/۷۳۲).

شرح احوال او در برخی از تذکره‌ها آمده و با این همه جای بسی تعجب است که با وجود اشتهار او در ادب فارسی و بویژه تأثیرات او بر حافظ در غزل‌سرایی، مولف تذکره‌ی منظوم ستیغ سخن، که در آن تذکره حد و دو هزار شاعر معرفی و نام برده شده‌اند، هیچ نام و یادی از نزاری قهستانی نمی‌بینیم (رک: مردانی، ۱۳۷۱).



۸۵) یعنی اگر بنا بود در این کتاب که ترتیبی بر آن مترتب است نامی از نزاری بیاید در محل و صفحه ی مذکور جای آن بود و باید گفت عدم یاد کرد شاعرستری چون نزاری، ستیغ سخن را به زاری کشانده است. البته تذکار این نکته در بایست می نماید که نزاری قهستانی را نباید با نزاری اردبیلی (خیام پور، ۱۳۷۲: ۹۲۸) و نیز با نزاری هروی (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۴۳۴۵) اشتباه گرفت که گاه چنین خلطی صورت پذیرفته و صاحب تذکره ی عرفات العاشقین، غزلی از نزاری هروی به مطلع:

به سر نمی شود از روی شاعران ما را نشاط خوشدلی و عشرت و تماشا را

(اوحدی بایانی، ۱۳۸۹: ۴۳۴۵)

نقل کرده که غزل مذکور به شماره ی یازده در دیوان حکیم نزاری قهستانی مصحح دکتر مظاهر مصفا در صفحه ی ۴۹۵ هم موجود است. (نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۴۹۵) و طرفه آن که تا جایی که صاحب این قلم کاویده، از نزاری هروی در سایر تذکره ها نام و نشانی نیست و البته با این احوال این که برخی از تذکره نویسان دیوان اشعار نزاری قهستانی را "از چهل هزار متجاوز" (کازرونی، ۱۸۶: ۳۰۴) دانسته اند جای تحقیق دارد و می تواند بود که این کثرت اشعار از عوامل خلط شعر او با سایر "نزاری" های احتمالی باشد.

البته در این مجال امکان پرداختن به این مساله نیست زیرا محل نزاع و نکته ی مورد بحث در این مقاله آن است که تصفح و تفحص در دیوان قطور نزاری قهستانی و شواهد و قراین برآمده از سروده های این آزاده ی قهستانی، روشن می سازد که او را با شعر، کار و باری بسامان و شعر و شاعری، اندیشه ی روزان و شبان وی بوده است. به همین دلیل می توانیم بگوییم نزاری با مطالعه ی دواوین و تدقیق در اشعار دیگر شاعران - بویژه شعر بلند آوازگان و بزرگان سخن فارسی - در صدد استواری و فخامت بخشیدن به شعر خویش بوده و با آن که در اشعار دیگر شاعران بخوبی غور کرده و توغل نموده، جامه ی عاریتی دیگران نپذیرفته و نپوشیده و با بهره مندی از آثار دیگران بدون آن که ننگ بدنامی و انتحال بر خود نهد، شعر خود را مایه ورت و غنی تر و پر رنگ و بارتر ساخته که می توانیم بگوییم تقریباً معامله ای را با شعر خاقانی داشته که حافظ شیرازی همان کار را با شعر نزاری قهستانی کرده که آقای بهالدین خرمشاهی در حافظ نامه و دیگرانی نیز این مورد اخیر را کاویده اند و اکنون مجال تفصیل آن نیست.

توانمندی نزاری در شعر و شاعری به او این فرصت را داده است که با وجود آن که از بیشتر شاعران برجسته ی پیش از خود بهره مند گردیده، رنگ و بوی خاص شعر نزاری در تمامی اشعارش به وی و شعر وی شخصیتی مستقل و استثنایی ببخشد به نوعی که استفاده های فراوان او از شاعران مایه وری چون فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، معزی، خاقانی، سعدی و... غالباً استفاده ی محتوایی و مضمونی بوده که مثلاً همان مضمون شعر سنایی - اگر نه با وجهی نیکوتر - با وجهی مشابه و همانند آن در شعر نزاری، راه یافته است. اما از این میان ناصر خسرو را باید استثنا کرد بدان گونه که دکتر مصفا در مقدمه ی دیوان در این باره گفته اند:



"شباهت اندیشه میان نزاری و ناصر خسرو چندان است که کاتبان به علت مشابهت و اشتراک بعضی موضوع ها و اصلاح ها، چند قصیده ی ناصر خسرو را در دیوان نزاری ثبت کرده اند" (نزاری، ۱۳۷۱: ۳۰۷).
از میان شاعرانی که نزاری قهستانی با مطالعه و تصفح مستمر در شعر آنان غنا و بالندگی شعر خود را تکامل بخشیده، خاقانی شروانی (۵۹۵-۵۲۰ ه.ق) است.

دکتر مصفا در مقدمه ی دیوان نزاری و پیش از ایشان دکتر صفا در تاریخ ادبیات در ایران به این تاثیر پذیری اشارتی مختصر کرده اند و دکتر مصفا شش بیت از نزاری را با شعر خاقانی - بدون هیچ گونه توضیحی - به عنوان شاهد آورده اند (نزاری، ۱۳۷۱: ۳۱۳/۳۱۲).
دکتر صفا هم تصریح کرده اند که "نزاری خود اشعاری از خاقانی و سعدی، چندین بار استقبال کرده و جواب گفته است" (صفا، ۱۳۷۱: ج ۳/۷۴۰).

لازم به ذکر است که از میان شواهد دکتر مصفا فقط دو مورد در قافیه هم مشترکند و بقیه صرفا مضمونی است و تشابهی در ردیف و قافیه و وزن ابیات دیده نمی شود.

اما هیچ کدام از محققان تاکنون درباره ی جنبه های تاثیر پذیری نزاری قهستانی از خاقانی داد سخن نداده اند و جنبه های مختلف این تاثیر پذیری را بر نکاویده اند در این مجال برانیم که در این باره تاکید کنیم که تاثیر پذیری شاعران هر عصر بر شاعران پس از خود امری طبیعی و معمول و مرسوم بوده و بحث در این زمینه بیشتر مربوط به دایره و محدوده ی این تاثیر پذیری است که موارد روا و ناروا ی این کار را مشخص می کند و بحث مصادیق مصالته، سلخ، مسخ، المام (میر صادقی، ۱۳۷۳: ۱۳۵) یا توارد را به میان می آورد.

البته در این موضوع و مصادیق و اشکال تاثیر پذیری و مرزهای آن با انتحال اختلافات بسیاری است و از همین روست که برخی از گردنکشان اهل فضل را برخی دیگر منحل دانسته و شهسوران ملک سخن را به سرقت ادبی متهم کرده اند و برایشان گفته اند

کس دانم از اکابر گردن کشان نظم کو را صریح خون دو دیوان به گردن است

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۵)

شاهد را آن که دکتر صفا در رد سخن جامی (۸۹۸-۸۱۷ ه.ق) در بهارستان که گفته: حافظ شیوه ی نزاری را تتبع کرده (جامی، ۱۳۷۰: ۱۰۵) نظر داده اند که "این بعید به نظر می رسد و جز استقبال از چند غزل نزاری اثر دیگری از او در اساس و بنیاد سبک حافظ ملاحظه نمی کنیم" (صفا، ۱۳۷۱: ۳/۷۴۰).

و باز در جبهه ی مقابل دیدگاه صفا، بهالدین خرمشاهی تاکید دارند که نزاری "از نظر حافظ شناسی شاعر مهمی به شمار می آید (خرمشاهی، ۱۳۷۱: ۶۳) و در همان جا پانزده مطلع از نظیره های حافظ بر نزاری را در همان وزن و قافیه ی شعر نزاری سروده آمده است نقل کرده اند (خرمشاهی ف ۱۳۷۱: ۶۳ و ۶۴).



نقل این شواهد از آن روی بود تا تاکید کنیم که در باره ی موارد انتحال و سرقت ادبی ، رویه ای یکدست حاکم نبوده و حکم کلی در این باره بسی دشوار است و هرگز نمی توان تاثیر پذیری شاعران را از شاعران سلف، انتحال نامید و تصلف برخی نو شاعران را در این باره روا و مجاز شمرد .

اکنون به عصر نزاری و تامل در شعر وی باز می گردیم و یاد آور می شویم که آوازه و شهرت خاقانی در قرن هفتم، اطراف و اکناف ادب پارسی را در نور دیده بود و نجار زاده ی شروانی را به عنوان قله ی چامه سریان ادب فارسی از دیگران متمایز ساخته بود که این نمی توانست از چشم تیز بین نزاری که شعر با شعور و وجود او آمیخته بود پنهان بماند شواهدی که برای اثبات این که با وجود بعد مسافت و نزدیکی نسبی زمان دو شاعر ، نزاری دیوان خاقانی را در دست داشته و از آن بهره برده است ارائه می گردد .

اما در باره ی شواهد این مدعا، در ابتدا باید یادآوری کرد که بخشی از تاثیرات نزاری از خاقانی را باید در زمره ی تاثیرات آگاهانه و مستقیم و برخی دیگر را باید در گروه ناخودآگاه و غیر مستقیم و توارد گونه محسوب کرد .

نزاری بسیاری از قصاید و غزلیات خاقانی را با همان وزن و قافیه و ردیف و گاه با یکی یا دو تا یا همگی آن ها، استقبال کرده است .

خاقانی :

کو دلی کانه گسارم بود بس در جهان زو بوده ام خشنود بس

(خاقانی، ۱۳۷۵:۲۸۰)

نزاری :

زاهد مخمور را راه مناجات بس عارف مجموع را کنج خرابات بس

(نزاری، ۱۳۷۱:۱۲۶۲)

خرد خریطه کش خاطر و روان من است سخن جنیبه بر خامه و بنان من است

(خاقانی، ۱۳۵۷: ۷۱۴)

نتیجه ای که ز افکار نیمه جان من است وبال چشم و دماغ و تن نوان من است

(نزاری، ۱۳۷۱: ۷۱۵)

جالب این که در این غزل قصیده گونه ، نزاری علاوه بر محتوای مفاخره، از نظر بسیاری از ترکیبات و نیز تعداد ابیات از خاقانی پیروی کرده به نوعی که تعداد ابیات این غزل را به ۲۳ رسانده است

خاقانی یک قصیده با ردیف "برخاست" و در ۴۹ بیت دارد به مطلع :

راحت از راه دل چنان برخاست که دل اکنون زبند جان برخاست

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۹۱)



و نزاری نیز در چندین مورد "نون" را "روی" و "برخاست" را "ردیف" کرده که اختصار را فقط یکی از مطالع نزاری یاد می شود .

به عهد تو بس فتنه کز جهان برخاست مرا هوای تو ای ماه مهربان برخاست

(نزاری، ۱۳۷۱: ۶۵۰)

که با وجود اختلاف در وزن عروضی، که شعر خاقانی در بحر خفیف مسدس مخبون اصلم مسبغ و شعر نزاری در بحر مجتث مثنی مخبون اصلم مسبغ سروده آمده، اما از نظر قافیه و ردیف و نیز مضمون که هر دو شکواییه اند، مشترکند .

هر دو شاعر در سروده هایی "آفتاب" را ردیف اشعار خود قرار داده اند که فقط مطالع این سروده ها به جهت اختصار یاد می شود .

ای عارض چو ماه تو را چاکر آفتاب یک بنده ی تو ماه سزد دیگر آفتاب

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۸۸)

غذا چون کنم دردی از آفتاب موافق تر الحق می از آفتاب

(نزاری، ۱۳۷۱: ۵۶۴)

و نمونه هایی دیگری که یاد خواهیم کرد که بی گمان از موارد توارد نمی تواند بود و دال بر تاثیر پذیری دانشور قهستانی از ساحر شروانی است .

ز دوستان قدیمی نظر دریغ مدار ز کوی ما به طوافی گذر دریغ مدار

(خاقانی، ۱۳۵۷: ۷۹۱)

پیام دوست، نسیم سحر دریغ مدار بیا ز گوشه نشینان خبر دریغ مدار

(نزاری، ۱۳۷۱: ۱۱۹۳)

و در جواب قصیده ی

دل صید اوست به خون در نکوتر است وآن صید کان اوست نگون سر نکوتر است

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۰۰)

نزاری آورده :

یک نفس با همدمی از هر دو عالم خوش تر است کنج خلوت خانه ای از ملکت جم خوش تر است

(نزاری، ۱۳۷۱: ۷۷۲)

و نیز

جام تلخ از جان شیرین خوشتر است جان زر در جام زرین خوشتر است

(نزاری، ۱۳۷۱: ۷۷۳)



که در غزل اخیر ترکیبات شاعرانه ای را نیز از خاقانی به وام گرفته که در این مجال فرصت پرداختن بدان ها نیست و مقایسه ی غزل خاقانی و نزاری مقالتهی مستقل می طلبد و این نوشتار تنها در صدد اثبات تاثیرات خاقانی بر نزاری به صورت کلی است و بیشتر بر قصیده توجه دارد و گر نه ترکیبات همسان اخذ شده ی نزاری از خاقانی بویژه درحوزه ی غزل فراوان است و استاد دکتر مصفا هم که خود بر آن صحنه گذاشته اند و شواهد معدودی ی که برای توجه نزاری به خاقانی در مقدمه ی دیوان ارائه کرده اند غالباً از غزل های خاقانی است و می دانیم که همان گونه که دکتر مصفا متذکر شده اند "هنر نزاری در قصیده شگفت است، شگفت کاری است" (نزاری، ۱۳۷۱: ۱۷۸) و محققان از دست کم ۵۹ قصیده ی نزاری سخن گفته اند (بای بوردی، ۱۳۷۰: ۲۲) که اگر چه در نسخ خطی دیوان بر اساس حروف تهجی تنظیم نگشته و در چاپ دکتر مصفا هم همه ی آن ها آورده نشده، اما بر اساس میانگین ابیات قصیده و غزل او در می یابیم که از نظر تعداد ابیات، قصاید او چندان هم از غزلیات کمتر نمی باشد و اگر چه تاکید شده است که "تعداد غزلیات او چشمگیر است و ابیات اکثر غزل هایش مابین پنج تا دوازده بیت است" (محقق، ۱۳۸۹: ۳۸)

ولی می دانیم غالب قصاید او به شمس الدین علیشاه والی قهستان تقدیم شده است (بای بوردی، ۱۳۷۱: ۲۱) و نیز در خور ذکر است که در آن روزگاران "منطقه ی بیرجند و قاینات را عموماً به نام قهستان می شناختند و جدای از خراسان می دانستند" (اف هیل، ۱۳۷۸: ۳۸) و نزاری را در مدح دیگر امرای ولایات قصاید دیگری نیز هست که بالطبع بر شمارگان قصاید نزاری می افزاید.

نیز "استفاده از قافیه های مشکل از دیگر ویژگی های شعر خاقانی است که طولانی بودن تعداد ابیات قصاید و به کار گرفتن قافیه های مشکل حاکی از مهارت و دقت شاعر در آفرینش سروده هاست (غنی پور ملکشا، ۱۳۸۹: ۱۵) و در دیوان نزاری نیز با موارد برشمرده شده مواجهیم و این تاثیر به گمان قوی از خاقانی بر نزاری قابل مشاهده است که اصل عدم تطویا مقاله امکان نقل شواهد را ممتنع می سازد.

از دیگر نکاتی که می توان ان را از تاثیرات خاقانی به نزاری دانست؛ عطف توجه هر دو شاعر به سنایی غزنوی است. خاقانی آن سان به سنایی توجه داشته که چون نامش بدیل بوده، لفظی کرده و در بیتی خود را بدیل سنایی دانسته و آورده:

بدل من آدمم اندر جهان سنایی را بدین دلیل پدر نام من بدیل نهاد
(خاقانی، ۱۳۵۷: ۳۴۰)

و در جایی دیگر آورده:

چون زمان عهد سنایی درنوشت آسمان چون من سخن گستر بزاد
(همان: ۸۵۸)



نزاری هم علاوه بر استقبال ها از سنایی از وزن ویژه ی سنایی که تمامی منظومه های خود را بر همان وزن یعنی فاعلاتن مفاعلن فع لن (فع لان = بحر خیف مسدس مخبون اصلم (مسیخ) در غزلیات بسیار بیشتر از سایر اوزان عروضی بهره برده و نیز مثنوی ۵۵۰ بیتی خود را بر همان وزن حدیقه سروده است (بای وردی، ۱۳۷۰: ۲۴).

خاقانی و نزاری هر دو شاعرانی پر شعرند یعنی این که تعداد اشعار آنان به نسبت مجموعه ها و دواوین سایر شاعران از تعداد ابیات بالاتری برخوردار است که خاقانی حدود بیست هزار = ۱۷ هزار دیوان و سه هزار تحفه العراقین و نزاری نیز مجموعاً حدود سی هزار شعر از خود به یادگار گذاشته است. نمونه ها و مصادیق دیگری از این تاثیر پذیری بویژه در اشعاری که به احوال طبقات اجتماعی و صنوف مردمان کوچه و بازار و توصیف آنان می پردازد و موارد دیگر نیز در نزدیکی شعر خاقانی و نزاری موجود است که باید کوتاه کنم که قصه ی م کار دفتراست.

منابع

- انوری، محمد (۱۳۷۶) دیوان انوری، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، چ ۵، علمی و فرهنگی، تهران.
- جامی، عبد الرحمن، (۱۳۷۰) تصحیح اسماعیل حاکمی، چ ۱، اطلاعات، تهران.
- خاقانی، بدیل، (۱۳۵۷) دیوان خاقانی، به کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی، چ ۲، زوار، تهران.
- خاقانی، بدیل، (۱۳۷۵) دیوان خاقانی، به کوشش دکتر جلال الدین کزازی، چ ۱، مرکز، تهران.
- خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۱) حافظ نامه، (دوجلدی) چ ۴، سروش/علمی فرهنگی، تهران.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۷۲) فرهنگ سخنوران، (دوجلدی) چ ۱، طلایه، تهران.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۱) تاریخ ادبیات در ایران، ۵ جلدی، چ ۸، فردوس، تهران.
- غنی پور ملک شاه، احمد، (۱۳۸۹) چ اول، راز دانش، تهران.
- کازرونی، ابوالقاسم ابوحامد، (۱۳۸۶) سلم السموات، به تصحیح عبدالله نورانی، چ ۱، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران.
- محقق، مهدی و سلامت آذر، رحیم، (۱۳۸۹)، «بررسی برخی از ویژگی‌های سبکی یا تصویرهای شاعرانه در غزلیات حکیم نزاری قهستانی» در فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره پی در پی ۹، صص ۳۷-۵۲.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳) واژه نامه هنر شاعری، چ ۱، مهناز، تهران.